

اسلام، عامل اصلی نابودی مزدکیان

نظام فاسد و ازدرون موریانه خورده ساسانی، چگونه می‌توانست در مقابل جنبش مزدکی پایدار و استوار بماند؟! اگر اسلام آن اوضاع را دگرگون نمی‌ساخت و «محرومان» اجتماع را به «حق» خود نمی‌رساند، يك پارتی‌گرو فرقه خطرناك مزدکی زنده می‌شد و انفجار عظیمی در جامعه ایرانی رخ میداد.

و قهراً می‌بایست در انقراض آن، دست داشته باشند.

بقول «کرستین سن»: «چنانکه پس از این واقعه که حکم کشتار عموم مزدکیان صادر شد افراد این فرقه چون رئیس مطاع نداشتند پراکنده گشتند و در مقابل دشمنان خود توانائی ایستادگی نداشتند

«مزدك» و پیروانش بدست انوشیروان هلاک شدند، با همه سخت‌گیریها که ساسانیان درباره مزدکیان کردند، سرانجام نتوانستند بکلی آنان را از میان بردارند، عده‌ای از آنان که جان سالم بدر برده بودند، در ایران به طور سری فعالیت میکردند، از حکومت ساسانی شدیداً ناراضی و ناامید بوده‌اند

مضمحل شدند، دارائی آنها ضبط و کتب دینی آنان سوخته شد ... از این وقت به بعد مزدکیه حکم فرقه سری پیدا کرد و به این صورت به حیات خود ادامه داد و بعد از ساسانیان هم در عهد اسلام بطور پراکنده بارها خود نمائی کرد. « (۱)

بدین ترتیب، دین مزدک به وسیله نیروی نظامی و اعمال زور بر حسب ظاهر درهم کوبیده شد ولی مانند آتش در زیر خاکستر همچنان باقی ماند، مسلماً اگر اسلام به ایران نمی رسید، تمدن از درون پوسیده ساسانی، بار شد سرطانی غده های چرکین انحطاط در نسج های پیکر آن، بحال خود باقی می ماند، آئین خطرناک مزدکی بار دیگر شدیدتر از دفعه اول، زبانه می کشید و واکنش دفاعی ضد طبقاتی و ضد امتیازات جان آزار اشرافی، بطور شدیدتر به وقوع می پیوست. و جامعه یک بار دیگر منفجر می شد، خسارات و ناراحتی های فراوانی نسبت به نجبا و اشراف و امرای لشکر بیارمی آورد. زیرا: عوامل و موجباتی که باعث پیدایش مذهب مزدک شده بود، با علل گرایش سریع و عجیب مردم نسبت به آن، همچنان باقی بود و هیچگونه تغییری درستمکاری طبقات ممتاز و محرومیت طبقات محروم بوجود نیامده بود.

تعالیم مزدک از نظر اصول فکری و اعتقادی از کیش زردشت بمراتب کاملتر بود و از آئین «مانی» هم از نظر اصول اعتقادی چیزی کسر نداشت، در همان سطح و بلکه اندکی بالاتر بود زیرا «ثنریت» که

(۱) ایران در زمان ساسانیان صفحه ۳۸۵ - ۳۸۶

(۲) ایران در زمان ساسانیان : ص ۲۳۹

اساس تعالیم «مانی» بود آنرا بدرجه ای رسانده بود که میگفت: حرکات «ظلمت» ارادی و از روی علم قبلی نبوده، برخلاف اصل «نور» که حرکاتش ارادی است. بنابراین اختلاط و آمیزش تیرگی و روشنائی که عالم محسوس و مادی از آن پیدا شده برخلاف تعالیم مانی، نتیجه نقشه و طرح قبلی نبوده و بر حسب تصادف وجود یافته است. پس در آئین مزدک برتری «نور» خیلی بیش از کیش مانی موکد بوده است و کمی هم نزدیک به توحید است، چون عقیده او این بود که خدای خیر (نور) بر خدای (ظلمت) چیره شده و از این رو، باید غالب راستود. لذا جاذبه تعالیم مزدک از سایر ادیان آن روز بیشتر بوده است. (۲)

از نظر تعلیمات اجتماعی در عکس آئین زردشتی قرار داشت و همواره طرفدار محرومان و طبقات پائین اجتماع بود. از این جهت در میان توده مردم جاذبه نیرومند داشت.

ساسانیان برای جلوگیری از جنبش مزدکیان به ناچار متوسل بزور می شدند ولی بطور مسلم اثر زور و اعمال خشونت موقت است نمیتواند فتنه را از ریشه بر طرف سازد.

لذا بقول یکی از محققان معاصر؛ «عامل اصلی انقراض مزدکیان اسلام بود، اسلام که دین توحیدی بود، یک سلسله اصول و مبانی خاص درباره خدا و

شده بود که فقط در بعضی از قرای کرمان گروهی از پیروان مزدک تا پایان روزگار بنی امیه زیست می نمودند (۴).

ولی همینکه خلفای جوراموی و عباسی خلافت ساده و بی آرایش اسلامی را ، تبدیل به سلطنت اشرافی کسراتی کردند و بقول « دارمستر » (۵) : « ساسانیانی بودند که خون تازی داشتند » (۶) وضعی پیش آمد که از حیث فساد دستگاه خلافت و زنده شدن رژیم منفور طبقاتی دست کم از ساسانیان نداشت، ظلم و بیادادگری که از جانب خلفا و همال آنها بر مردم وارد می آمد خود برای ایجاد روح عصیان و تمرد مردم کفایت میکرد. این وضع بکلی با زندگی پاک و ساده مسلمانان و تعالیم بلند اسلام کاملاً مغایرت داشت ، بدین جهت مسلمانان واقعی نمی توانستند این وضع را تحمل کنند، توطئه هائی بر ضد خلفا تهیه می کردند.

قیام آگاهانه ابومسلم

در میان قیامها، از همه مهمتر که به حساب مردم می توان گذاشت ، قیام ابومسلم خراسانی است . ابومسلم « مسلمان » بود ، مسلمانان زنده و معتقد . او نیز برترین رهبری و تحقق آرمان بی تبعیض

خلقت و انسان و حیات آورد که با عقاید مزدکی قابل قیاس نبود، و در تعلیمات اجتماعی بر عدل و مساوات و برابری افراد و نژادها تکیه کرد بدون آنکه افراط کاربهای مزدکی را در برداشته باشد، قهرماً از جنبه فکری و هم از جنبه اجتماعی هم از طریق مزدکی جاذبه بیشتری داشت ، توده مردم ایران به جای گرایش به طریقه مزدکی به اسلام که منادی توحید و عدل بود گرویدند، در زمان خلفای جوراموی و عباسی که روش قیصری و کسراتی را احیا کردند بار دیگر زمینه برای مزدکی گری فراهم شد، ولی توجه توده مردم که حساب اسلام را از حساب خلفا جدایی کردند و معتقد بودند اسلام را باید از شر خلفای جورنجات داد مجالی به مزدکی گری نداد . « (۳)

مردم ایران همینکه با تعالیم زنده و حیاتبخش اسلام آشنا شدند، دیدند اسلام، در آرمان خود یک نظام ضد طبقاتی است، و امید بزرگ ملت‌های ستمدیده است، اسلام به آنان نوید رهایی از جهنم طبقاتی ساسانی را میداد، از این رو، رنج دیدگان مظلوم فلسفه های طبقاتی دعوتش را، از جان و دل پذیرفتند و لذا در قرن اول اسلامی هیچگونه جنبش و حرکتی از مزدکیان دیسه نشد از تعدادشان بقدری کاسته

(۳) خدمات متقابل ایران و اسلام : آقای مرتضی مطهری ص ۲۲۴ - ۲۲۵

(۴) ابن حوقل در کتاب « صورة بلاد العراق العجم من كتاب المسالك والممالك » واصطخری در کتاب

« مسالك الممالك » در لفظ « کرمان »

Darresteter (۵)

(۶) دو قرن سکوت : دکتر زرین کوب : ص ۱۴۸

« سفیدنج » از نواحی مرو رسماً اعلام کردند و پرچم خویش را برافراشتند با صدای بلند این آیه را می‌خواندند: « اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدیر » (۱۰) و صدایشان به تکبیر بلند بود همینکه روزهید فطر فرا رسید به دستور ابو مسلم خراسانی « سلیمان بن کثیر » که یکی از رهبران نهضت جدید بود به اقامه نماز فطر و ایراد خطبه پرداخت و انقلاب بر حلقه دستگاه خلافت اموی را در خطبه نماز اعلام کرد (۱۱) تاریخ گواه است بر این که : سر بازان مجاهد ابو مسلم نماز را با اذان و اقامه در اول وقت بجا می‌آوردند و پیوسته قرآن می‌خواندند و خدا را تسبیح و تقدیس می‌نمودند و مردم را به رهبری رسول خدا دعوت میکردند (۱۲)

اگر آئین مزدک در آن دوزمیان ایرانیان جاذبه‌ای داشت مسلماً هیچ فرصتی مناسبتر از این فرصت نبود که بار دیگر در میان ایرانیان ظهور و بروز کند.

« ابو مسلم » بقدری وفادار اسلام بود که در زمان وی شخصی بنام « بها فرید » که طبق گفته ابوریحان می‌خواست، دین مجوس را اصلاح کند، پدید آمد.

اسلامی را، در دامن خاندان پرهیز کار پیغمبر می‌جست. اومی اندیشید، حکومت بنی امیه که مالا مال از تبعیض و ستم است، اگر برکتارشود (۷)، و شخصی پاک، از خاندان پیغمبر، بر سر کار آید، خلافتی چون خلافت هادلان و بنی تبعیض علی (ع)، زمام امور را در دست گیرد، رؤیای آزادی و تساوی جوئی آنان، عملی می‌گردد.

ابو مسلم نخست مردم را بی آنکه نام امام خاصی را ذکر کند یکی از بنی هاشم دعوت میکرد (۸) اینگونه دعوت‌ها در آن زمان دعوت برضامی خواندند. مردم بیعت می‌کردند که با هر کس که از بنی هاشم همگان بر او اتفاق کردند، همصدا باشند.

می‌گویند: در زمان خلفای بنی عباس مزدکیان چهار فرقه بودند عده‌ای از آنان در کوهستانهای کردستان زندگی می‌کردند و سه فرقه دیگر طرفدار ابو مسلم بودند (۹) هرگاه واقماً آنان مسلمانی را تهدید می‌کردند و بیکار خود را متوجه خود اسلام می‌ساختند، مسلماً ابو مسلم آنان را بدور خود راه نمی‌داد، زیرا قیام ابو مسلم بعنوان دفاع از اسلام بود و بیکار او، رنگ اسلامی داشت. روزی که ایرانیان به سرپرستی ابو مسلم، نهضت خویش را در قریه

(۷) دیباچه‌ای بر رهبری: ص ۳۲۵

(۸) تاریخ الوفيات: ابن خلکان ج ۱ ص ۱۰۴

(۹) تاریخ تمدن ایران ساسانی: ص ۶۷

(۱۰) سوره حج آیه ۳۹

(۱۱) تاریخ طبری حوادث سنه ۱۲۹ - الکامل: ج ۲ ص ۳۰۰

(۱۲) کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۳۰۱ طبع بیروت

«بابک» و ... برمی‌خوریم که قیام اینها متکی به اسلام نبوده است، البته این مقاومتها اصیل توده‌ها نبوده بلکه تلاش مذبحخانه‌ای بشمار میرفته‌اند که برخی افسرداران، اسپهبدان، فتودال‌ها و مرزبانان، برای بازیافتن امتیازاتی که اسلام از آنها بازستانده بود، انجام می‌داده‌اند، مبارزه آنها با دستگاه خلافت برای جمع ثروت و وصول به حکومت بود (۱۴) در قیام آنها جزیک طیفیان تندبر ضد خطیفه تازی و جزیک انتقامجویی از خلفای جورچیزی نمی‌توان یافت .

ابومسلم «عبدالله بن شعبه» را بجنگنوی گسیل داشت تا او را در جبال « بادغیس » بگیرد و به نزد وی برد، ابومسلم دستور داد تا او را بکشند و هر که از قوم او یافتند هلاک کردند. (۱۳)

بدین ترتیب نهضت‌های عدالتخواهی ایرانیان در دوره اسلام متکی به اسلام بوده است نه مزدکی‌گری و غیره .

در تاریخ جهانگشای اسلام، گاهگاهی به مقاومت سردارانی نظیر: « ماه‌آفرید » و « سنباد » و « منیع » و « استادسیس » و « مازیار » و « افشین » و

برتری انسانها

همین احساس ملالت و کسالت بزرگترین علت امتیاز و تفوق انسان بر حیوان است زیرا برای فرار و گریز از این حس است که انسان متوسل بسمی و عمل میگردد و قوای خود را بکار برده و ترقی بشر را بوجود می‌آورد .

کلمات دانشمندان

رتال جامع علوم انسانی

(۱۳) آثار الباقیه، ص ۲۱۱.

(۱۴) درآینده، درباره این نوع قیامها بطور مفصل بحث خواهد شد.